

خشونت‌ی که دست به دست می‌شود

صحنه فجیع است؛ فجیع به معنای واقعی کلمه. آدم باید خیلی دل داشته باشد که بنشیند و تا آخرش تماشا کند.



صحنه فجیع است؛ فجیع به معنای واقعی کلمه. آدم باید خیلی دل داشته باشد که بنشیند و تا آخرش تماشا کند. با این همه فیلم دست به دست می‌چرخد، برای دوستان و آشنایان روی خط وایبر ارسال می‌شود، در فیس‌بوک بارها و بارها به اشتراک گذاشته می‌شود و موج نظرات را به دنبالش ردیف می‌کند. حتی سایت‌های خبری و خبرگزاری‌ها هم کوتاهی نمی‌کنند و فیلم یا عکس را با تیتري هشدار دهنده و با علامت +18 منتشر می‌کنند.

به گزارش سلامت نیوز، روزنامه ایران در ادامه نوشت: حالا دیگر دست خودتان است که با یک کلیک، به صف انبوه تماشاگران بپیوندید یا به کل از خیر دیدن صحنه‌های دلخراش بگذرید. نمونه‌اش فیلم سوزاندن خلبان اردنی به دست داعش؛ فیلمی که دیدن آن واقعاً دل می‌خواهد و اعصاب پولادین. مگر می‌شود نشست و مرگ یک انسان را آن هم به این شکل فجیع تماشا کرد و بعد انگار نه انگار که چنین صحنه‌ای دیده شده، دوباره پی کار خود رفت؟! یا اینکه صحنه سربردن آدم‌ها با آن همه قساوت و تصاویر خونین را دید و همان آدم قبلی بود؟ اصلاً چه چیزی باعث می‌شود بعضی از مردم به دیدن چنین تصاویری اشتیاق نشان دهند؟! آیا خواست تهیه کنندگان این گونه فیلم‌ها و عکس‌ها، بارها و بارها دیده شدن صحنه‌های فجیع جنایت‌هایشان نیست؟!

خشونت، پیام بی‌چون و چرای این گونه صحنه‌هاست؛ خشونت‌ی که بارها و بارها کلیک می‌شود و هر لحظه سر از یک‌جا درمی‌آورد. اصلاً همان علامت +18 خودش گاهی عاملی می‌شود برای جذب مخاطبان که ممکن است بالای 18 سال سن داشته باشند اما تماشای این صحنه‌ها گاه ممکن است اثرات ناخوشایندی روی اعصاب و روان آنها باقی بگذارد. دکتر پرویز روزبیانی، روانشناس، جوانان را بیشترین قشری می‌داند که به تماشای صحنه‌های فجیع تمایل نشان می‌دهند.

او می‌گوید: «سنین جوانی دارای ویژگی‌های خاصی است. از جمله اینکه جوانان حساس و زود رنج هستند و علاوه بر آن تجربه کافی ندارند و به همین دلیل هم هست در مواقعی که باید روی احساسات و رفتار خود کنترل داشته باشند، نمی‌توانند این کنترل را به درستی اعمال کنند و به همین دلیل هم بسیاری از مواقع شاهد رفتار هیجانی و احساسی از سوی آنها هستیم. افراد میانسال و مسن، غالباً به دلیل تجربه‌ای که دارند و دورانی که گذرانده‌اند کمتر دچار این احساسات هیجانی می‌شوند، بنابراین در مواجهه با شرایط مشابه، رفتار آرام‌تر و منطقی‌تری از خود نشان می‌دهند.»

روزیانی ادامه می‌دهد: «جامعه ما جامعه جوانی است و بر همین اساس هم نیازها و اقتضائات خاص خود را دارد. جوانان باید امکاناتی داشته باشند که هیجان خود را تخلیه کنند.»

روزیانی ادامه می‌دهد: «جامعه ما جامعه جوانی است و بر همین اساس هم نیازها و اقتضائات خاص خود را دارد. جوانان باید امکاناتی داشته باشند که هیجان خود را تخلیه کنند. یکی از راه‌هایی که باعث تخلیه هیجان جوانان می‌شود، ورزش و حضور در اماکن ورزشی مثل استادیوم‌هاست اما متأسفانه این‌گونه اماکن به اندازه کافی وجود ندارد و در دسترس جوان‌ها قرار نمی‌گیرد. تعداد اماکن تفریحی زیاد نیست و از سویی دیگر شرایط اقتصادی هم اجازه نمی‌دهد جوان‌ها در مکان‌های مناسب و به شیوه درست، هیجان خود را تخلیه کنند. همین مسأله باعث به وجود آمدن خشونت در آنها می‌شود که متأسفانه در برخی موارد، تبعات و آثار ناخوشایندی هم به همراه دارد. بسیاری از نزاع‌ها و قتل‌هایی که به دنبال آن اتفاق می‌افتد، نتیجه همین کنترل نشدن و سوق ندادن روحیه روانشناختی جوان‌ها در مسیر درست است.»

وقتی جوانان خشن می‌شوند، چه اتفاقی می‌افتد؟ دکتر روزبیانی، بخشی از این سؤال را پاسخ گفته است. او از جوانانی می‌گوید که خشم خود را در جامعه تخلیه می‌کنند و گاه فاجعه‌های غیرقابل بازگشت را رقم می‌زنند. اما تکلیف بقیه چه

می‌شود؟ آنها که خشم‌شان را در جامعه بروز نمی‌دهند، چه می‌کنند؟

این روانشناس در پاسخ می‌گوید:

« ایجاد خشونت در جوانان که نتیجه شرایط نامساعد اقتصادی و نبود امکانات لازم زیرساختی و فرهنگی است، به شکل‌گیری عقده‌های روانی در آنها منجر می‌شود. وقتی خشونت در وجود انسان ریشه دواند اما به انجام اعمال خشونت‌آمیز منجر نشود، دیدن صحنه‌های خشن نظیر ویدئوها و عکس‌های فجیع، به گونه‌ای به این هیجان‌ات پاسخ می‌دهد. گاهی دیده می‌شود بعضی افراد با دیدن چنین صحنه‌هایی به جای اینکه ناراحت و متأثر شوند، حالت سرخوشی پیدا می‌کنند. به هر حال جوانان کنجکاو هستند و وقتی در محیط‌های کوچک و با امکانات محدود زندگی می‌کنند، ممکن است دچار عقده‌های روانی شوند که البته این، فقط مختص کشور ما نیست و در همه جا وجود دارد.»

روزیانی می‌گوید: «بہتر است برای جلوگیری از تبعات منفی این گونه مسائل و جلوگیری از ایجاد خشونت در جامعه، برنامه‌ریزی درستی داشته باشیم تا مردم و بویژه جوان‌ها که سرمایه‌های کشور هستند در مسیر صحیحی حرکت کنند، البته حتی اگر تمام نکات در این باره رعایت و امکانات لازم هم فراهم شود، باز هم بیماری‌ها و اختلالات روانی در جامعه وجود خواهد داشت که 10 تا 15 درصد افراد را درگیر می‌کند و نیازمند درمان است. به یاد داشته باشید بیماران روانی همیشه افرادی نیستند که در بیمارستان‌های روانی بستری‌اند. بسیاری از آنها بین ما زندگی می‌کنند و اگر درمان نشوند، ممکن است اعمال غیرقابل انتظاری از آنها سرزنند.»

مجید ابهری، آسیب شناس اجتماعی هم گفته‌های دکتر روزیانی را تأیید می‌کند و می‌گوید: «متأسفانه بیشتر افرادی که این‌گونه فیلم‌های فجیع را تماشا می‌کنند و آنها را به اشتراک می‌گذارند جوانان بین 13 تا 25 سال هستند.» او ادامه می‌دهد:

« تا قبل از این نوجوانان و جوانان نمی‌توانستند صحنه سربردن یک حیوان را نگاه کنند اما امروزه سربردن انسان‌ها را به سادگی تماشا می‌کنند و هیچ گونه اثری بر عاطفه، فکر و روح آنها نمی‌گذارد، البته این نبود اثر گذاری از نظر ظاهری است. در واقع اثر این‌گونه صحنه‌ها در ذهن و فکر افراد باقی می‌ماند و به شکل کابوس، استرس و اضطراب در آنها نمایان می‌شود. از سوی دیگر اگر این‌گونه صحنه‌ها عامل مؤثری برای تحریک نباشد باعث بی‌تفاوتی افراد می‌شود به شکلی که به سادگی می‌توانند این گونه صحنه‌ها را تماشا و تکرار کنند.»

بازی واقعی خشونت

خشونت از آن چیزهایی است که اگر در جامعه فراگیر شود، دیگر نمی‌توان براحتی جلوی آن را گرفت. تصور کنید صبح یک روز خوب بهاری از خواب برخاسته اید. همه چیز خوب و آرام است. راهی محل کار می‌شوید. در راه، تلفن همراهتان را هم احتمالاً به عادت همیشه چک می‌کنید. یک ویدئو از طرف یکی از دوستان‌تان برای شما فرستاده شده. عنوان ندارد. کنجکاو می‌شوید. بد نیست تا زمانی که به محل کار می‌رسید، کمی سرگرم شوید. ویدئو اجرا می‌شود. ناگهان احساس می‌کنید حجم زیادی از خون به سمت سرتان می‌آید. داغ می‌شوید. روزتان خراب شده. به همین سادگی!

این فیلم‌ها گاهی آنقدر وحشتناک است که بسیاری از رسانه‌های معروف جهان پیش از نمایش دادن بخش‌هایی از آن، به تماشاگر بارها و بارها تذکر می‌دهند در صورت داشتن مشکل قلبی یا ضعف اعصاب، از تماشای آن خودداری کنید، البته همان‌طور که گفته شد، تنها بخشی از این ویدئوها به نمایش درمی‌آید اما متأسفانه دیده می‌شود که در کشور ما گاه هیچ‌گونه کنترلی در این‌گونه موارد نیست و همین مسأله به عقیده کارشناسان باعث افزایش خشونت و پرخاشگری‌های فیزیکی در جامعه می‌شود.

روانشناسان عقیده دارند تماشای مکرر صحنه‌های خشونت‌بار انسان را بتدریج قسی‌القلب می‌کند، چرا که دیدن چنین مناظری برای او عادی می‌شود. از این‌رواست که تأکید دارند افراد، بخصوص کودکان و نوجوانان از دیدن چنین صحنه‌هایی اجتناب کنند.

روانشناسان عقیده دارند تماشای مکرر صحنه‌های خشونت‌بار انسان را بتدریج قسی‌القلب می‌کند، چرا که دیدن چنین مناظری برای او عادی می‌شود. از این‌رواست که تأکید دارند افراد، بخصوص کودکان و نوجوانان از دیدن چنین صحنه‌هایی اجتناب کنند.

دکتر محمد تقی جغتایی، عصب شناس و رئیس دانشکده علوم بهزیستی و توانبخشی در این رابطه می‌گوید: «این گونه فیلم‌ها

نظیر آنچه از سوی تروریست‌های داعش منتشر می‌شود، به لحاظ عصب‌شناسی، تأثیر بسیار منفی روی افراد بخصوص کودکان می‌گذارد، چرا که مغز کودکان از لحاظ عصب‌شناسی به گونه‌ای است که وقایع را همانندسازی می‌کند و به همین دلیل هم هست که کودکان دوست دارند چیزهایی را که می‌بینند تکرار کنند. در واقع رفتار کودکان بر مبنای مشابه‌سازی است.»

دکتر جغتایی به نکته مهمی در این باره اشاره می‌کند: «وقتی فرد بلوغ پیدا می‌کند و دوران جوانی را سپری می‌کند، تصمیم‌گیری‌هایش از طریق بخش «پیش‌پیشانی» یا جلوی مغز صورت می‌گیرد که مربوط به اراده و تصمیم‌گیری است. این بخش در مغز کودکان و جوانان رشد نهایی نکرده و در این دوران، تصمیم‌گیری‌ها بر اساس بخش‌های دیگر مغز است که بر اساس تقلید و مشابه‌سازی فعالیت می‌کند. به همین دلیل وقتی کودکان چنین صحنه‌هایی را می‌بینند، می‌خواهند آن را تقلید کنند، در واقع کار نمایشی انجام می‌دهند. این مسأله خطرناک است، چرا که در این دوران مدارهای عصبی در مغز او تشکیل می‌شود که مربوط به گسترش

خشونت است.» شما هم حتماً کودکانی را دیده‌اید که بعد از تماشای فیلم‌های خشن، بلافاصله به تقلید از صحنه‌های فیلم شروع به بازی می‌کنند؛ این بازی می‌تواند به واقعیت تبدیل شود چنانچه جغتایی توضیح می‌دهد: «کودکانی که در دوره کودکی مدارهای عصبی خشونت در مغزشان شکل می‌گیرد، خشونت جزو رفتارهای ثابت‌شان می‌شود و در بزرگسالی هم به انجام رفتارهای خشن تمایل پیدا و اگر موقعیتی پیش آید، به آن اقدام می‌کنند.»

در این میان البته نباید نقش رسانه‌ها را هم نادیده گرفت که اگرچه به عقیده دکتر مهدی صابری، رئیس بخش روان‌پزشکی قانونی معاینات مرکزی استان تهران، به خودی خود عامل بروز خشونت در جامعه محسوب نمی‌شوند، اما می‌توانند با به نمایش گذاشتن تصاویر فجیع و نشان دادن شکل عریان رفتارهای خشن، تأثیرات خشونت را بین مردم تشدید کنند.

به گفته او، رسانه‌ها وظیفه دارند اخبار و رویدادها را گزارش کنند و اطلاع‌رسانی مناسبی در مورد آن انجام دهند. حوادث نیز بخشی از این اخبار و رویدادهاست که انتشار آن لازم است و حتی در مواردی جنبه هشدار دارد، اما بیان جزئیات دقیق و انتشار تصاویر فجیع از حوادث نه تنها اثر مثبتی ندارد، بلکه قبح خشونت را هم از

بین می‌برد. صابری می‌گوید: «رسانه‌ها باید فضای موجود در تمایل برای دیدن تصاویر خشن و فجیع را پیش از آنکه به درجه حاد برسد تلطیف کنند و اگر قرار است خبرگزاری‌ها و رسانه‌های تصویری خبری مربوط به یک حادثه را منتشر کنند پیش از پرداختن به تصاویر خشن اتفاقات مثبت آن خبر را به نمایش بگذارند و تصاویر خشن را مبهم نشان دهند.» او معتقد است انسان‌ها ذاتاً به رفتارهای خشونت‌آمیز گرایش دارند اما دیدن تصاویر خشن آنها را در سیکل خشونت قرار می‌دهد.

پس باید از هر آنچه این سیکل را تقویت می‌کند دوری کرد. با فرض اینکه در حال حاضر همه حتی کودکان براحتی به اینترنت دسترسی دارند، دور از انتظار نیست که تماشاگران فیلم‌های فجیع، با هر سن و گروه هر روز به تماشای این گونه تصاویر بنشینند؛ تصاویری که گرچه علامت +18 در تیتراژشان عنوان می‌شود، اما گاه همان هشدار، عاملی می‌شود برای توجه بیشتر کودکان، نوجوانان و جوانانی که کنجکاو، جزو انکارناکردنی وجودشان است.